



www.ketab

www.ketab.ir

سرشناسه: میرباقری، سیدمحمد مهدی، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآورنده: درآمدی بر رویکردهای فقه حکومتی، سید محمد...، میرباقری؛
تحقیق و نگارش: یحیی عبداللهی.
مشخصات نشر: تهران: نوین اسلامی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص.
شابک: ۹۶۲۵۱-۹۶۰۰-۶۷۸-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: علوم سیاسی (فقه)
موضوع: ولایت فقیه
شناسه افزوده: عبداللهی، یحیی، ۱۳۶۴ -
رده بندی کنگره: ۹۱۳۹۶/BP۱۹۸م ۶/ع ۸
رده بندی دیویی: ۳۷۹/۲۹۷
شماره کتاب شناسی: ۲۷۸۹۹۵۷



ناشر: تمدن نوین اسلامی
تحقیق و نگارش: یحیی عبدالمهدی

نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۱۱۰۰
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۵۱-۳-۰

فروش: مرکز پخش تمدن نوین ۰۹۱۰۴۶۴۶۲۱۲
فروش مجازی: NicBook.org
Tadvinehmat@Iran.ir

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۵	مقدمه
۲۰	جریان‌شناسی رویکردهای فقه حکومتی
۲۴	الگوی مفهومی جریان‌شناسی رویکردها
۲۷	ساختار کتاب
۲۹	تقدیر و تشکر

فصل اول: بررسی رویکرد «فقه موضوعات» در فقه حکومتی / ۳۱

۳۳	مقدمه
۳۸	۱. دیدگاه اول: فقه حکومتی، به معنای فقه احکام حکومتی حاکم
۴۰	۲. دیدگاه دوم: فقه حکومتی به معنای فقه سیاسی
۴۱	۳. دیدگاه سوم: فقه حکومتی، فقه احکام مبتلابه حکومت (فقه الحکومه)
۴۲	۴. دیدگاه چهارم: فقه حکومتی، فقه ناظر به عرصه اجرا و حل تزاوجات احکام
۴۳	۵. دیدگاه پنجم: فقه حکومتی، فقهی با رویکرد حکومتی
۴۴	۶. تحلیل و جمع‌بندی
۴۷	منابع مطالعاتی

فصل دوم: بررسی رویکرد «فقه نظام‌سازی» در فقه حکومتی / ۴۹

۵۱	مقدمه
----	-------

۱. دیدگاه اول: «منطق انطباق»، طریق تطبیق احکام شرعی بر نظامات عینی ۵۵
- ۱-۱. آسیب فقه موضوعات در مواجهه با نظامات عینی ۵۶
- ۱-۲. مبتنی بودن نظامات بر «مبانی» و «اهداف» ۵۷
- ۱-۳. تطبیق احکام بر موضوعات نظام‌مند، از طریق طراحی نظام (منطق انطباق) ۵۸
۲. دیدگاه دوم: اکتشاف نظام و مذهب اجتماعی (بررسی دیدگاه شهید سید محمد باقر صدر علیه السلام) ۶۲
- ۲-۱. ضرورت طراحی «نظامات اسلامی» ۶۳
- ۲-۲. انسجام درونی میان عناصر یک نظام و هماهنگی بین نظامات مختلف اجتماعی ۶۵
- ۲-۳. تفاوت «مکتب اقتصادی» با «علم اقتصاد»، «اخلاق اقتصادی» و «قوانین اقتصادی» ۶۷
- ۲-۴. «منطقه آزادی»، محمل وجوه متغیر نظام‌سازی ۶۹
- ۲-۵. «اکتشاف» روش دستیابی به مکتب ۷۳
۳. مقایسه اجمالی دو دیدگاه در نظام‌سازی ۷۶
- منابع مطالعاتی ۷۹

فصل سوم: بررسی رویکرد فقه سرپرستی در فقه حکومتی / ۸۱

- مقدمه ۸۳
۱. دیدگاه اول: فقه حکومتی از منظر امام خمینی ۸۸
- ۱-۱. حاکمیت مادی کفار، مسئله مستحذنه پیش روی فقه ۸۹
- ۱-۲. مبنای دین‌شناسی امام خمینی علیه السلام ۹۴
- «توحید»، اصل و اساس دین ۹۵
- امتداد «توحید» از طریق ولایت و خلافت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام ۹۷
- ۱-۳. حکومت دینی و ولایت فقیه، امتداد ولایت و خلافت ائمه معصومین علیهم السلام ۱۰۰
- ۱-۴. هدایت و سرپرستی جامعه، مأموریت اصلی حکومت ۱۰۸
- مصلحت اسلام و قانون الهی، ملاک تصمیمات ولی فقیه ۱۱۰
- ۱-۵. «فقه حکومتی»، فقه سرپرستی و اداره جامعه ۱۱۳
۲. دیدگاه دوم: فقه حکومتی از منظر مرحوم سید منیرالدین حسینی علیه السلام ۱۱۸
- ۲-۱. تمدن مادی غرب، مسئله مستحذنه پیش روی فقاها ۱۱۹
- ۲-۲. مبنای دین‌شناسی مرحوم سید منیرالدین حسینی علیه السلام ۱۲۱
- ۲-۳. «ولایت اجتماعی»، اصلی‌ترین مأموریت «حکومت» ۱۲۴
- حداکثری بودن کارکرد «حکومت» در عصر حاضر ۱۲۵
- تمایلات، عقلانیت و عملکرد «اجتماعی» سه بعد جامعه ۱۲۷

۱۲۹.....	۲-۴. «عقلانیت دینی»، عامل هدایت و سرپرستی تکامل اجتماعی
۱۳۰.....	- محوریت «معرفت های دینی» در منظومه معارف بشری
۱۳۳.....	۲-۵. «تفقه دینی، معادله های علمی، مدل های برنامه ریزی»، سه مرحله تکوین «عقلانیت دینی»
۱۳۵.....	۲-۶. تکامل تفقه از ناحیه «مقیاس و دامنه»
۱۳۵.....	- ارتقای مقیاس تفقه به احکام «اجتماعی و حکومتی»
۱۳۶.....	- توسعه دامنه تفقه به گزاره های «ارزشی و توصیفی»
۱۳۸.....	۲-۷. هماهنگی سه حوزه «تفقه، معادله و مدل» از طریق «روش عام» و «فلسفه شدن»
۱۴۱.....	منابع و مآخذ

فصل چهارم: مقایسه رویکردهای «فقه موضوعات»،

فقه نظامات» و «فقه سرپرستی» / ۱۴۳

۱۴۵.....	مقدمه
۱۴۶.....	۱. مقایسه از منظر «مبانی»
۱۴۷.....	۱-۱. ضرورت سه رویکرد
۱۵۱.....	۱-۲. اهداف سه رویکرد (کیفیت حضور در جامعه)
۱۵۷.....	۱-۳. موضوع سه رویکرد
۱۵۸.....	۲. مقایسه از منظر «موضوع شناسی»
۱۶۷.....	۲-۱. تفاوت از منظر «دامنه موضوع شناسی»
۱۶۹.....	۲-۲. تفاوت از منظر «تطبیق موضوع»
۱۷۱.....	۳. مقایسه از منظر «مکلف»
۱۷۶.....	۴. مقایسه از منظر «سنخ وجوب حکم»
۱۷۸.....	۵. مقایسه از منظر «روش استنباط»
۱۸۱.....	۶. جدول مقایسه رویکردهای فقه حکومتی

فصل پنجم: مروری بر مبانی فقه حکومتی / ۱۸۳

۱۸۵.....	مقدمه
۱۸۶.....	۱. «فلسفه های مضاف» طریق فراوری مبانی حاکم بر علم در مسائل آن علم
۱۸۹.....	۲. ضرورت توسعه «تفقه» و «روش تفقه» از طریق «فلسفه فقه» و «فلسفه اصول»
۱۹۰.....	۳. تحلیل از «حکم» و مبانی حاکم بر آن در فلسفه فقه
۱۹۲.....	۴. مبانی «دین شناسی» و تأثیر آن در «شان شارع»
۱۹۶.....	۵. مبانی «جامعه شناسی» و ساختارهای اجتماعی و تأثیر آن در «مکلف شناسی»

۸. درآمدی بر رویکردهای فقه حکومتی

۶. مبانی «علم‌شناسی» و تأثیر آن در «موضوع‌شناسی» ۲۰۱
۷. «حکم‌شناسی»، ثمره تبیین سه مؤلفه «شارع، مکلف و موضوع» ۲۰۵
۸. مبانی «معرفت‌شناسی» و تأثیر آن در «روش تفقه» ۲۰۷

ضمیمه: فقه حکومتی در اندیشه رهبر معظم انقلاب / ۲۱۳

- مقدمه ۲۱۵
۱. انقلاب اسلامی در مقابل استکبار جهانی و تمدن مادی غرب ۲۱۸
- ۱-۱. «استکبار جهانی» بزرگ‌ترین دشمن اسلام ۲۱۹
- ۱-۲. تمدن مادی غرب، پشتوانه نظام استکبار جهانی ۲۲۵
- ۱-۳. «انقلاب اسلامی ایران»، احیاگر و اقامه‌کننده دین در قدام شئون زندگی ۲۲۹
- ۱-۴. سه حرکت عمده شیعه از «انقلاب اسلامی» تا «تمدن نوین اسلامی» ۲۳۲
۲. مبانی «دین‌داری» رهبر معظم انقلاب علیه السلام ۲۳۶
۳. «حکومت اسلامی»، عمل «اُتاه» و «هدایت» جامعه ۲۴۱
۴. «حوزه‌های علمیه»، پشتوانه فکر حکومت دینی تا دستیابی به تمدن نوین اسلامی ۲۴۷
۵. تولید «فکر و اندیشه دینی» لازمه دستیابی به تمدن نوین اسلامی ۲۵۵
۶. «فقه حکومتی»، «علوم انسانی اسلامی» و «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» سه مؤلفه ضروری در تحقق «سبک زندگی اسلامی» و دستیابی به «تمدن نوین اسلامی» ۲۶۰
- ۶-۱. علوم انسانی اسلامی ۲۶۱
- ۶-۲. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۲۶۹
- ۶-۳. سبک زندگی دینی ۲۷۳
۷. «فقه حکومتی»، طریق اداره و هدایت جامعه ۲۷۶
- ۷-۱. ضرورت «پاسخ‌گویی فقه به مسائل اجتماعی و حکومتی» و «ارائه نظام‌های اجتماعی» ۲۷۶
- ۷-۲. «فقه حکومتی»، فقه «اداره و سرپرستی جامعه» ۲۸۰
- ۷-۳. تکامل نظام‌سازی فقهی بر محور «ولایت مطلقه فقیه» ۲۸۵
۸. آسیب‌شناسی فقه موجود ۲۹۱
- ۸-۱. «فردی» بودن فقه و ناظر نبودن به «اداره کشور و حکومت» ۲۹۲
- ۸-۲. عدم گسترش فقه به عرصه‌های نوظهور و پرداختن به موضوعات تکراری ۲۹۴
- ۸-۳. انزوای عالمان دینی از حکومت، دلیل فقدان فقه حکومتی ۲۹۷
۹. تکامل روش تفقه ۲۹۹

۹-۱. تحقیق «فقه حکومتی» با فقه به معنای اعم	۲۹۹
۹-۲. ضرورت تحول در روش تفقه (فقاهاست)	۳۰۱
۹-۳. «تجبر و انفعال»، دو آفت دستیابی به «فقه حکومتی»	۳۰۷
۹-۴. لزوم پابستگی به «ارکان تفقه موجود» در تحول فقاهاست	۳۰۸
۹-۵. ملاحظه عنصر زمان و مکان در تطبیق شریعت	۳۱۱
کتابنامه	۳۱۵
نمایه	۳۱۹



پیشگفتار

دانش فقه از آغاز به پیش خویش در دنیای اسلام تاکنون، همواره در کانون فعالیت علمی علماء دین بوده؛ نگاهی به تاریخ تحولات و ادوار تفقه نشان دهنده رابطه‌ای جدی میان تحولات این دانش با نیازهای علمی، مسئمتن و تحولات اجتماعی آن‌هاست.

در یکی دوسده اخیر هم که دنیای اسلام در مواجهه جدی فکری و عملی با دنیای غرب و تمدن مدرن قرار گرفته است، فصل جدیدی از نظریه‌پردازی در باب تفقه و اجتهاد و مباحث و روش‌های آن آغاز شده که همچنان ادامه دارد.

در این میان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مبدأ تحول بسیار بزرگی بود و پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) را با میدان بسیار وسیع و جدیدی از مسائل روبرو کرد که نظریه‌پردازی و تلاش‌های جدید برای ارتقاء سطح دانش فقه برمدار تفقه اسلامی را تبدیل به ضرورتی جدی نمود؛ تلاش‌هایی که باید فقه را در مقیاس تصمیم‌گیری نسبت به امور جوامع پیچیده

امروز و حل مسائل مربوط به چگونگی عمل حاکمان در اداره امور جامعه؛ ارتقاء دهد تا تئوری ولایت فقیه را در اداره نظام اسلامی به کمال خویش برساند.

در چنین فضایی تکاپوهای اندیشمندان و فقهاء اسلامی در حوزه‌های علمیه و به‌ویژه حوزه مقدسه قم بسیار فراتر از گذشته شکل گرفت و دیدگاه‌ها و رویکردهای متفاوتی در این میان نضج یافت. بدون شک شناخت این دیدگاه‌ها و رویکردهای متفاوت، مقدمه استمرار حرکت علمی برای محققانی است که مسئولیت خویش را ارتقاء علمی و دانشی مسلمین و به‌ویژه پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانند و در مسیر تحقق آرمان‌های اجتماعی و تمدنی آن‌ها تلاش می‌کنند.

فرهنگستان امام اسلامی هم که از سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی با تلاش‌های متفکران فرهیخته و بنیان‌گذار فقید آن، سید منیرالدین حسینی شیرازی رحمه‌الله به نظریه‌پردازی و تلاش علمی در این زمینه مشغول بوده است، پس از بیانات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی رحمه‌الله خطاب به مجلس خبرگان رهبری مبنی بر ضرورت پرداختن به موضوع «فقه حکومتی» و مسائل آن، پروژه پژوهشی‌ای را در سال ۱۳۹۰ آغاز کرد. این پروژه با «سرپرستی ریاست محترم فرهنگستان، جناب استاد میرباقری^۱» و مسئولان فاضل ارجمند جناب حجت الاسلام یحیی عبدالحی و جمعی از پژوهشگران این مرکز توسط گروه فلسفه اصول و فقه حکومتی فرهنگستان شروع شد. این گروه با برگزاری چهل جلسه پژوهشی پیرامون مبانی فقه حکومتی، به شناسایی اندیشه‌های مختلف در این حوزه و تحلیل و بررسی آن‌ها پرداخت. تمرکز اصلی استاد محترم در این جلسات بر تنقیح و تفکیک سه رویکرد مهم در فقه حکومتی بود؛ این پژوهش با طرح سه رویکرد «فقه موضوعات»، «فقه نظامات» و «فقه سرپرستی» نشان می‌دهد که نظریه‌پردازان اصلی فقه حکومتی به درستی از تلقی و منهج فردی در

فقه فاصله گرفته و از ضرورت مواجهه حکومتی با فقه سخن به میان آورده‌اند که لازم است در بدو امر به شباهت‌ها و اختلافات آن‌ها توجه شود تا فضای گفتگو و تضارب آراء میان آنها فراهم گردد.

سپس محصل این کار پژوهشی در سیزده جلسه درس خارج توسط جناب استاد میرباقری با عنوان «مبانی و رویکردهای فقه حکومتی» در مسجد خاتمه بپایان برد. پردیسان قم در سال‌های ۹۱ و ۹۲ ارائه گردید.

اثر حاضر تنظیم، تقریر و نگارش آن مباحث است که با تحقیق و تفصیلات جامع‌تری به همست. جناب حجت الاسلام یحیی عبداللہی^۱ و با اشراف و راهنمایی‌های هاب جناب استاد میرباقری^۲ انجام شده است. تنظیم این اثر با همفکری‌ها و رجحانات فاضل ارجمند جناب حجت الاسلام محمدی^۳ و همچنین نقد و ارزیابی محققان کوه و به‌ویژه حجج اسلام و محققان ارجمند آقایان مهدیزاده و نوروزی فراهم شده است. به ضمن سپاسگزاری از زحمات خالصانه این بزرگواران، آرزوی توفیق برافزون برای آنها را داریم.

خداوند را سپاسگزاریم که این اثر پس از تلاش‌های بسیار، اکنون در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد و عاجزانه از همه فرهیختگان اساتید و محققان این عرصه استدعا داریم تا با نقدهای خویش ما را در این مسیر یاری نمایند.

سیدپیمان عنانی

مدیر گروه فلسفه اصول و فقه حکومتی

فرهنگستان علوم اسلامی



مقدمه

انقلاب اسلامی حاصل نبردها مبارزه و مجاهده حق علیه باطل و ثمره خون پاک هنارون شهید مظلومی است که امروزه به دست ما رسیده است. حاکمیت شیعه در این مقطع تاریخی با دستیابی به «حکومت دینی» به مقاصد و منزلت والا تری از پرستش و عبودیت خدای متعال و اقامه ولایت حق دست یافته و امکان دین داری در عرصه های وسیعتری برای او مهیا شده است. پیروزی انقلاب اسلامی و شکل گیری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تمامی عرصه های معیشت دینی از جمله «اجتهاد و تفقه» را با انتظارات، چالش ها و مسائل جدیدی مواجه ساخته و با ترسیم افق جدیدی فراروی این عرصه ها، گشایش و تحول نوینی را مطالبه می کند. ریشه این انتظارات و چالش ها را می بایست در آرمان های انقلاب اسلامی دنبال کرد؛ انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر آموزه های اسلامی با کنارزدن دو قطب شرق و غرب و اندیشه های آن ها مدعی شد می خواهد بنیان و سبک زندگی خود را بر مدار

اطاعت و عبودیت خدای متعال و اولیای او سامان دهد و همه شئون حیات فردی و اجتماعی خود را بر محور خدای متعال سامان دهد. دورنمایی که انقلاب اسلامی پیش رو دارد عالمی است که انسان، طبیعت و دیگر عناصر هستی هریک در منزلت حقیقی خود نشسته باشند؛ عالمی که انسان از طریق «تعبد الهی، تولی به خلیفه الله و تقیّد به شریعت» همه ابعاد و زوایای حیات خود، از ذیل ولایت الهی قرار داده و به حیات طیّبه الهی نائل آید.

اصلی‌ترین خصلت انقلاب اسلامی و حکومت دینی، سپردن امر «هدایت و سرپرستی اجتماعی» به دین است؛ به گونه‌ای که بتواند حرکت جامعه را به سمت قرب الی الله هدایت کرده و جامعه را در این مسیر پرمخاطره و در نبرد با طواغیت عالم سرپرستی نماید. ولایت و هدایت الهی در جامعه، در عصر غیبت از طریق «نظام ولایت فقیه» انجام می‌گیرد و ساختار سیاسی قدرت را در پرتو اسلام رقم می‌زند. تحقق حکومت دینی به نوبت مکمل منوط به آن است که تمامی ابعاد و زوایای حکومت در لایه‌های مختلف، هم‌جهت و هماهنگ با هدایت دینی حرکت کنند و همه روابط، ساختارها، قوانین و برنامه‌های اجتماعی و حکومتی مبتنی بر مبانی و اهداف دین شکل گیرد تا در یک تریق و مجرای بسط ولایت الهیه باشند.

اما دستیابی به این اهداف و تحقق افق‌های پیش رو چنان ساده و در دسترس نبود؛ از دشمنی قدرت‌های مستکبر جهانی و گسترش حوزه‌های درگیری با آن‌ها که بگذریم، فقدان «دانش‌ها»، «ساختارها و مناسبات اجتماعی» و «محصولات و فناوری» دینی در صحنه مدیریت اجتماعی از جمله اصلی‌ترین موانع حرکت نظام اسلامی است. امروزه عدم پاسخ‌گویی به «مسائل نوپدید اجتماعی» و غفلت از ارائه «ساختارها و نظامات اجتماعی» و بی‌توجهی به «مدیریت و برنامه ریزی دینی» برابر است با کار بست الگوها

و نظام‌های اجتماعی برگرفته از تمدن غرب که به تحقق مبانی، اهداف و ارزش‌های آن از طریق ظهور سبک زندگی مادی می‌انجامد. نظام اسلامی ایران تحت فشار کشورهای سلطه‌گرو نهادهای بین‌الملل جهانی در پذیرش قوانین و نظامات اجتماعی غربی می‌بایست بتواند الگویی کارآمد و موفق از سبک زندگی ایمانی را در تمام صحنه‌ها محقق سازد؛ در غیر این صورت با همگام شدن با نظامات جهانی و پذیرش قواعد و اسناد تحمیلی آن‌ها، به تدریج تحت سلطه و نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها قرار خواهد گرفت. پذیرش مناسبات جهانی با مدیریت مرکزی نظام سلطه موجب می‌گردد که حرکت جامعه در ابعاد مختلف در مسیر تحقق برنامه «توسعه» قرار گیرد و در نهایت، اهداف و آما‌های دینی و انقلابی یا به حاشیه می‌رود و به تدریج منزوی شده و به مناسبات شخصی در کنج منزل و محراب مسجد محدود می‌گردد، یا استحاله می‌شود و مناسبات و ارزش‌های مدرن، تبدیل ماهیت یافته و صورت و سیرت انقلابی خود را از دست می‌دهد. براین اساس امروزه ضرورت اصلی پیشرفت و بالندگی انقلاب اسلامی، کارآمدی دین در عرصه عینیت است و اینکه بتوان حکومتی موفق و بالنده از آن برای دینی را پیش چشم جهانیان به نمایش گذاشت.

حرکت انقلاب اسلامی به سوی تمدن نوین اسلامی است. تمدنی که توانسته باشد لایه‌های عمیق تمدنی همچون «علوم، ساختارها و فناوری‌ها» را محور مبانی تفکر اسلامی سامان دهد و این‌گونه، انقلابی دیگر در عرصه علم و فرهنگ رقم زند. بی‌شک دستیابی به ابعاد و لایه‌های مختلف تمدنی همچون «علوم انسانی اسلامی»، «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» و در نتیجه «سبک زندگی اسلامی» بدون تکامل و ارتقای «اجتهاد و روش تفقه» در جهت دستیابی به «عقلانیت دینی کارآمد» در صحنه مدیریت جامعه ممکن نخواهد بود. تمدن

نوین اسلامی آنگاه تحقق خواهد یافت که همه لایه‌های تمدنی اعم از «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» در پرتو معارف مستند به دین نضج و سامان یابد.

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دیدار با جمعی از علمای اسلام، در تبیین شاخصه‌های تمدن اسلامی به جایگاه محوری اجتهاد تأکید می‌ورزند: امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش مآل این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجامه پاسخ‌گویی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ازساخت و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کوشش می‌توان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به همه‌ی گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، بر اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا تیرسینما، و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است.^۱

نقش محوری تفقه و اجتهاد دینی در پیدایش تمدن اسلامی آنگاه به صورت

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای علیه السلام (khamenei.ir)؛ بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹.

صحیح ایفا خواهد گردید که فقهات موجود، با تکیه بر اصول و قواعد فقه جواهری پا به عرصه های نوین اجتماعی و حکومتی گذارد. امام خمینی علیه السلام نیز فقه مطلوب را تئوری کامل اداره و سرپرستی انسان در همه عرصه های فردی و اجتماعی دانسته اند:

حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.

فلسفه سیاسی این است که ما چگونه می خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرود جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشت باشیم و همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد بنوعینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد.

به فعلیت رسیدن تمام ظرفیت های دستگاز فقهات حوزه علمیه در مسیر دستیابی به فقه حکومتی، نیازمند مجاهدت های علمی و بذل جهد عالمانه در این مسیر است. رهبر معظم انقلاب علیه السلام با ذکر خلاصه ایست فقه حکومتی در حوزه علمیه قم، به ضرورت پرداختن به این مقوله خطیر تاکیدی فرموده اند: نیاز ما به کرسی های بحث آزاد فقهی در حوزه قم - کم کم ترین حوزه هاست - برآورده نشده است... در قم باید درس های خارج استدلالی قوی ای مخصوص فقه حکومتی وجود داشته باشد تا مسائل جدید حکومتی و چالش هایی را که بر سر راه حکومت قرار

می‌گیرد و مسائل نوبه‌نورا که برای ما دارد پیش می‌آید، از لحاظ فقهی مشخص کنند، روشن کنند، بحث کنند، بحث‌های متین فقهی انجام بگیرد.^۱

بنابراین «فقه حکومتی»، امتداد حرکت انقلاب اسلامی در ساحت فرهنگ و اندیشه و محور دستیابی به «عقلانیت اسلامی» است. دامنه تأثیرپذیری عرصه‌های عقلانیت از آرمان‌های انقلاب اسلامی، منحصر به فقه دینی نیست؛ بلکه «فلسفه»، «رشته‌های مختلف علوم انسانی» و همچنین «الگوهای برنامه‌ریزی پایداری و توسعه» نیز از جمله عرصه‌هایی است که امواج انقلاب اسلامی، عین سبب آن را به چالش کشیده و مستدعی تحولاتی در راستای کارآمدی بیشتر آن‌ها در برآیند تمدن‌سازی دینی گردیده است؛ اما تمامی این عرصه‌ها که مجموعاً معرفت عقلانیت اجتماعی را شکل می‌دهد در کانون مرکزی خود که استناد به دین پیدا می‌کند، نیازمند فقه حکومتی است.

جریان‌شناسی رویکردهای فقه حکومتی

مسئله فقه حکومتی در سالیان اخیر عمدتاً توسط کسانی مطرح شده است که توجه بیشتری به چالش‌ها و مسائل فقهی حکمران اسلامی مبذول داشته‌اند؛ اما این دغدغه مشترک برای رسیدن به یک معنا و مفهوم واحد از فقه حکومتی کافی نبوده و با وجود مبادی و مبانی مختلف میان اندیش‌مندان و متفکرین این عرصه، شاهد پیدایش تلقی‌های متفاوتی از این موضوع هستیم. متأسفانه منقح‌نبودن دیدگاه برخی صاحبان اندیشه در این عرصه به علت نوابودن مباحث و فقدان ادبیات متفاهم علمی و همچنین داغ‌بودن بازار حرف‌های

شعاری و کلی گویی های غیر تخصصی به آشفتگی مفهومی این موضوع دامن زده است. از دیگر عوامل فضای ابهام آلود فقه حکومتی، تشابه و قرابت این اصطلاح با اصطلاحات مشابه است؛ عدم تفکیک و تمایز روشن میان اصطلاح «فقه حکومتی» و اصطلاحات رایجی مانند «حکم حکومتی»، «فقه سیاسی»، «فقه الحکومه» و همچنین عدم توجه به نسبت اصطلاح «فقه حکومتی» با اصطلاحات نوپدید دیگر مانند «فقه المصلحه»، «فقه المقاصد»، «فقه النظامات»، «فقه اجتماعی» و «فقه تمدنی» موجب تشتت آرا، عدم پیدایش فهم مشترک، بروز بی ثباتی لغزش ها و مغالطات علمی شده است.

براین اساس شناسایی اندیشه ها و دیدگاه های مختلف این عرصه از طریق جریان شناسی آن ها، نه تنها در تفسیر رویکردهای کلی و از منظر روشی، ضرورتی انکار ناپذیر است. جریان شناسی رویکردهای فقه حکومتی می تواند پراکندگی اندیشه های فقه حکومتی را نظم رستق داده و جایگاه هریک از آنها را در نسبت با دیگر اندیشه ها مشخص نماید.

هدف از این جریان شناسی، رصد اندیشه ها و مکان بخشی آن ها در ضمن رویکردهای کلان است؛ به گونه ای که زمینه مقایسه و تبیین میان آن ها فراهم آید و با تمرکز بر مبانی این رویکردها، مقدمات بهینه سازی فقه حکومتی و رویارویی منطقی با پرسش ها و چالش های فراروی حاصل گردد. این جریان شناسی می تواند از یک سوبه شفاف سازی و مرز بندی رویکردهای فقه حکومتی کمک کند و جایگاه دیدگاه های متکثرو مختلف را روشن سازد؛ به گونه ای که فضای پراکنده آرا و انظار این عرصه را به طیف های مشخص فکری با شاخصه های معین تبدیل سازد.

توجه به چند نکته پیرامون جریان شناسی رویکردهای فقه حکومتی ضروری

است:

۱. در ساحت فکر و اندیشه، نظرات و دیدگاه‌های مختلف همواره به صورت طیف‌های پیوسته و متداخل جلوه می‌کنند و از این رو بازشناسی و تمایز آن‌ها از یکدیگر دشوار است؛ با وجود این می‌توان مبتنی بر یک الگوی مفهومی جامع و تعیین شاخص برای هریک از رویکردها به دسته‌بندی مناسبی از آن‌ها دست یافت. اما همچنان ممکن است برخی دیدگاه‌ها به طور کامل ذیل یک رویکرد نگنجد و در برخی شاخص‌ها با یک رویکرد و در برخی دیگر از شاخص‌ها با رویکرد دیگری انطباق پیدا کند. البته تعداد بسیاری از دیدگاه‌ها هنوز در مرحله کلی‌گویی به سادگی برند و از ابهام و اجمال خارج نشده و نسبت به بسیاری از شاخص‌های تعیین شده موضع روشنی ارائه نکرده‌اند. پژوهش حاضر با ارائه این دسته‌بندی تعیین شاخص‌های آن و پیگیری اختلافات تا سطوح مبانی، می‌تواند دیدگاه‌های مختلف را به پرسش و تعیین موضع وادارد و گامی مؤثر در رفع کاستی و نارسایی‌های دیدگاه‌ها با روضع موجود باشد.

۲. یک جریان‌شناسی بایسته می‌بایست در خصلت را هم‌زمان دارا باشد؛ اول اینکه مبتنی بر یک «الگو و چارچوب مفهومی» به دسته‌بندی عناصر بپردازد. دوم اینکه «انطباق حداکثری با صحنه عینی» داشته باشد. ضعف و کاستی در هریک از این دو ویژگی، صحت و کارآمدی جریان‌شناسی را مخدوش می‌سازد. پژوهش حاضر در جریان‌شناسی «رویکردهای فقه حکومتی» بر هر دو امر اهتمام ورزیده است؛ به گونه‌ای که ابتدا طی چند طرح پژوهشی دیدگاه‌ها و نظرات مختلف در عرصه فقه حکومتی و معرفت دینی مورد بررسی قرار گرفته است؛ سپس در تعامل با مبانی فکری مطلوب، سعی در انتخاب و طراحی الگوی نظری مورد قبول در طبقه‌بندی آن‌ها شده است که در ادامه به تبیین آن خواهیم پرداخت.

۳. جریان‌شناسی «رویکردهای فقه حکومتی» سعی کرده است تفاوت و تمایز

رویکردها را با گذر از اختلافات روبنایی، در ساحت مبانی نظری دنبال کند و مقایسه میان رویکردها را تا زیرساخت های روشی تعمیق بخشد و نقطه اصلی اختلافات را در آنجا ریشه یابی کند.

۴. جریان شناسی و تبیین «رویکردهای فقه حکومتی» با تبیین دقیق تر ابعاد مختلف هریک از رویکردها می تواند الگوی مناسبی برای مطالعات و پژوهش های آینده در این موضوع ارائه دهد و پژوهشگران را در پیشبرد تحقیقات حول این موضوع راهنمایی کند. تبیین هریک از رویکردها و مقایسه روشمند آن ها می تواند ضای روشن تری از تحقیق و پژوهش را پیشروی محقق ترسیم کند و به انتخاب روش تحقیق او در عرصه فقه حکومتی کمک کند. همچنین موضوعات متنوعی از مبانی و مبانی فقه حکومتی در این تحقیق محل بحث واقع شده است که می تواند موضوع پژوهش های تفصیلی تر قرار گیرد.

۵. بحث کنونی ما به دیدگاه های اندیش مناسی اختصاص دارد که دغدغه پاسخ گویی به نیازهای نظام اسلامی و تحقق کامل دین در عرصه اجتماعی را دارند. در این صورت گرایش های سکولار که عمدتاً از جریان های روشن فکری ابراز می شود و فرجامی جز منفعل شدن فقاقت در مقابل اقتضائات مدرنیته و ارائه قرائتی هماهنگ و همسوبا اندیشه های عصر تجرد ندارند، از دامنه این پژوهش بیرون است.

۶. در این پژوهش، سه جریان اصلی را با عنوان «رویکرد» معرفی کردیم که هر رویکرد، «دیدگاه» های متعددی را در بر می گیرد. مقصود از رویکرد، مشترکات روشی دسته ای از دیدگاه هاست که از مبادی مشترکی برخاسته و بر مبنای مشابهی تکیه دارند. «رویکرد» بسی عام تر از «نظریه» و «دیدگاه» است و البته هنوز تبدیل به یک «گفتمان» کامل نشده اند.

الگوی مفهومی جریان شناسی رویکردها

سه رویکرد اصلی در صحنه مطالعات فقه حکومتی را به ترتیب «فقه موضوعات»، «فقه نظامات» و «فقه سرپرستی» نام نهاده‌ایم. رویکرد «فقه موضوعات» عنوانی بر روش فقهت سنتی است که تاکنون شیوه رایج و متداول حوزه‌های علمیه بوده است. این رویکرد در صدد آن است که با تمرکز بر احکام تلافی ناظر به افعال مکلفین، دستورات الهی را در قالب «حکم و موضوع» شناسایی کند. صورت‌بندی موضوعات تحت عناوین کلی انتزاعی و ویژگی بارز این شیوه تفقه است.

رویکرد «فقه نظامات» که ایده اصلی آن توسط شهید سید محمد باقر صدر رحمته الله مطرح شد، در ذات سطح برتر از تفقه، سعی دارد نظامات اجتماعی را از منابع دینی استنباط کند که غیر از احکام منفرد شرعی است. مکتب یا نظام اجتماعی، مجموعه‌ای وسیع و گسترده از موضوعات را شامل می‌شود که به صورت هدفمند نظم و انسجام یافته، بره‌بانی و ارزش‌های خاصی تکیه دارد و اهداف و مقاصد مطلوب را در صحنه اجتماعی محقق می‌سازد.

«فقه سرپرستی» نیز رویکردی است که حضرت امام خمینی رحمته الله افق‌گشایی کردند که طبق آن، فقه، در منزلت هدایت و سرپرستی تمامی شئون اجتماعی قرار می‌گیرد. فقه می‌بایست برنامه عملی همه عرصه‌های فردی و اجتماعی را ارائه داده و در صحنه‌های مختلف کارآمدی دین را به منظر ظهور رساند. نقش هدایت و راهبری اجتماعی از طریق نهاد «حکومت» واقع می‌شود که بتواند جامعه را گام به گام به سوی اهداف متعالی اسلام پیش ببرد.

الگوی روشی این دسته‌بندی، سه‌گانه «خرد، کلان و توسعه» است که در ساحت فقهت تناظرسازی شده است. سه‌گانه «خرد، کلان و توسعه» که از ابداعات روشی مرحوم سید منیرالدین حسینی رحمته الله است، سه سطح بررسی و

مطالعه یک موضوع است؛ نگاه «خرد»، روش انتزاعی است که موضوع را فارغ از روابط و نسبت هایش مورد دقت قرار داده و توصیف می کند. نگاه «کلان» سعی دارد با نگاه مجموعه نگر، روابط و نسبت های موضوع را ملاحظه کرده و موضوع را در نظام شامل و مشمول آن شناسایی کند و از این طریق به تصویری نظام مند از مجموعه موضوعات دست یابد. نگاه در سطح «توسعه» یا «تکامل» علاوه بر مجموعه نگری، تغییر و حرکت را نیز لحاظ می کند؛ در این صورت موضوع را به صورت یک مجموعه مرکب در حال تغییر در نظر می گیرد و از فرایند تغییر و تحول آن مجموعه برای هدایت آن به سمت نقطه مطلوب سخن می گوید. بنابراین در سطح «کلان»، عنصر «روابط و نسبت ها» و در سطح «توسعه»، عنصر «حرکت و تغییر» محور اصلی مطالعه موضوع قرار می گیرد که این دو عنصر کلیدی، دیگر ابعاد و زوایای موضوع را مشخص می دهد.

توضیح بیشتر این که نگاه «انتزاعی» یا «خردنگر» بر یک منطق ذات نگر استوار است که هویت شیء را به درون آن تعریف می کند و سعی دارد با شناخت ذات شیء به احکام و خصلت های آن دست یابد؛ اما در نگاه «مجموعه نگر و کلان»، شیء در مجموعه روابط و نسبت هایی که درون یک نظام برقرار می کند هویت پیدا می کند؛ به گونه ای که اگر نظام روابط آن تغییر پیدا کند، ماهیت شیء و اثر و کارکرد آن نیز متفاوت می شود. عنصری که درون یک سیستم و نظام قرار می گیرد تابعی از هویت کل نظام است و در همان راستای نقش می کند. هویت نظام در حقیقت بر ایند نهایی همه عناصر با ترکیب و چینش خاص آن ها است.

در مقیاس «توسعه»، نظام را می بایست در حال تغییر و تحول دائمی که دارای سیر حرکت مشخص است در نظر گرفت. در این صورت مدیریت این تغییر و تحولات و راهبری حرکت در مسیر نایل به مقصد مطلوب اهمیت پیدا

می‌کند که از طریق تصرف در نظام صورت می‌پذیرد. این تصرف می‌بایست مبتنی بر محاسبات پیچیده‌ای باشد که تمام شرایط درونی و محیطی نظام را لحاظ کرده و متناسب با آن برنامه حرکت نظام را عرضه کند. برنامه حرکت موجب می‌شود که نظام در مسیر نیل به اهداف مورد نظر و وصول به مقصد مطلوب دائماً بهینه‌سازی شده و در هر مرحله تعین جدیدی پیدا کند. بر این اساس موضوعات و نظامات در مقیاس توسعه با نوعی از سیالیت و نسبیت همراه می‌شوند که البته جهت حرکت آن‌ها ثابت است.^۱

سه مفهوم اصلی «خرد، کلان و توسعه» در ساحت منطق می‌تواند سه روش شناسایی و تعریف موضوع را ارائه دهد:

۱. «منطق انتزاعی» که مبتنی بر اصالت ماهیت، اشیاء را به ذوات مستقل از یکدیگر تحلیل می‌کند و سعی دارد با توصیف ذاتیات شیء به ماهیت آن پی ببرد.

۲. «منطق مجموعه‌نگر و سیستمی» که شیء را از بساطت خارج می‌کند و شیء مرکب را مورد مطالعه قرار می‌دهد. آن را درون نظام شامل با مجموعه روابط و نسبت‌هایش ملاحظه می‌کند.

۳. منطق تکاملی که فرایند حرکت شیء مرکب و تغییر و تحولات آن را بررسی می‌کند و با ارائه الگوی حرکت شیء تصویری از فرایند موضوع ارائه کرده و امکان تصرف و هدایت شیء را در اختیار قرار می‌دهد.

انطباق این سه‌گانه روشی بر رویکردهای موجود در فقه حکومتی را به سه‌گانه «فقه موضوعات»، «فقه نظامات» و «فقه سرپرستی» می‌رساند که کتاب حاضر به شرح و بسط این سه رویکرد و مقایسه آن‌ها از جوانب مختلف پرداخته است.

همچنین سعی شده است تقریر و بررسی دیدگاه‌ها نیز به صورت روشمند و

۱. بنیان‌های فلسفی و روشی این بحث تحت عنوان «فلسفه‌شدن اسلامی» از سوی مرحوم سید منیرالدین حسینی رحمته‌الله مورد دقت قرار گرفته است که اکنون مجال اشاره به آن نیست.

با الگوی واحد انجام شود تا امکان مقایسه و تطبیق فراهم گردد. در شناسایی دیدگاه یک اندیشمند ابتدا «مبادی» تفکر او مورد دقت قرار گرفته است. مقصود از مبادی، مجموعه ارتکازات و تحلیل‌هایی است که هریک از اندیشمندان از شرایط اجتماعی و پیرامونی خود داشته‌اند که متضمن تحلیل از شرایط عینی جبهه ایمان و کفر و وضعیت تقابل اسلام با اندیشه‌ها و مکاتب رقیب و در نهایت آسیب‌شناسی وضع موجود و ضرورت‌های طرح نظریه است. پرداختن به مبادی یک فکر و اندیشه از آنجا حائز اهمیت است که همواره عمق و گستردگی دیدگاه‌ها و راهکارهای پیشنهادی، با مبادی هر نظریه تناسب معناداری دارد و نشان می‌دهد که هریک از اندیشمندان فکر و دیدگاه خود را بر چه تحلیلی از شرایط اجتماعی استوار کرده و از طرح نظریه خود چه افقی را دنبال می‌کرده است. همچنین مبادی «دین‌شناسی» یک دیدگاه را به لحاظ اهمیت و تأثیر ویژه آن در موضوع مورد بحث مورد دقت بیشتری قرار داده‌ایم؛ سپس به اصل نظریه پرداخته‌ایم. پس از تبیین دیدگاه نیز سعی شده است ابعاد «روش‌شناسی» آن دیدگاه را مورد تأکید قرار داده و نشان دهیم که یک دیدگاه چه تدابیر روشی برای دستیابی به فقه مطلوب در نظر گرفته است.

ساختار کتاب

کتاب حاضر باز نویسی ۱۳ جلسه درس خارج فقه حکومتی از استاد معظم سید محمد مهدی میر باقری است که پیرامون مبادی و مبانی رویکردهای فقه حکومتی ایراد گردیده است.

در تهیه این اثر سعی شده است مطالب جلسات درس، نظم و نسق بهتری پیدا کند؛ به گونه‌ای که مناسب تنظیم یک کتاب است. تبدیل ادبیات گفتاری به ادبیات نوشتاری از جمله اقتضائات تدوین این اثر بود. همچنین برخی از

محورهای بحث با استفاده از مباحث دیگر استاد تکمیل گردید. ابتدای هر درس نیز مقدمه‌ای افزوده شد تا خواننده ورود بهتری به آن فصل پیدا کند. برای آشنایی بیشتر با سه رویکرد فقه حکومتی، انتهای سه فصل اول، منابع مطالعاتی معرفی شده است.

کتاب پیش رو از پنج فصل و یک ضمیمه تشکیل شده است؛ ابتدا هریک از رویکردهای سه‌گانه «موضوعات»، «نظامات» و «سرپرستی» هر کدام در یک فصل توضیح داده شده است. فصل دوم و سوم هر کدام دارای دو بخش است که به بررسی دیدگاه پرداخته است.

در فصل چهارم این کتاب به مقایسه سه رویکرد «فقه حکومتی» پرداخته می‌شود. در این رساله، ریف هر رویکرد در خصوص «مبادی»، «موضوع حکم»، «مکلف حکم»، «سنخ حکم»، «امثال حکم» و «روش استنباط حکم» تبیین شده و با دیگر رویکردها مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

پیگیری عمق اختلاف میان سه رویکرد ما را به مبانی متفاوت آن‌ها می‌رساند؛ از این رو در فصل پنجم تحت عنوان «مبانی فقه حکومتی» تلاش شده است که با ریشه‌کاوی مفهومی مسئله «فقه حکومتی»، ابتدای آن به مبانی مختلف همچون «دین‌شناسی»، «جامعه‌شناسی» و «منطق و علم‌شناسی»، «معرفت‌شناسی» نشان داده شود؛ چراکه اتخاذ موضع متفاوت نسبت به این مبانی اصلی‌ترین عامل اختلاف در رویکردهاست. با توجه به وسعت و گستره این بحث، در این فصل صرفاً به طرح مسئله و ارائه نقشه‌ای اجمالی از کیفیت حضور مبانی در فقه حکومتی اکتفا شده است.

در نهایت نیز فصلی را به مروری بر اندیشه رهبر معظم انقلاب (علیه السلام) در فقه حکومتی اختصاص دادیم. این بحث از آنجاکه در دوره درسی ۱۳ جلسه «مبانی فقه حکومتی» ارائه نشده است، به صورت مستقل در ضمیمه کتاب جای گرفته است.

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس مخصوص خدای متعال است؛ خدا را شاکرم که توفیق انجام این خدمت اندک را در ساحت تفقه دینی و در مسیر اعتلای انقلاب اسلامی عطا کرد.

بیش از همه از استاد محترم حجت الاسلام والمسلمین میرباقری کمال تقدیر و تشکر را دارم که محاسن کتاب به ایشان اختصاص دارد و از خداوند متعال تزیینات روزافزون را برای ایشان مسئلت می‌کنم. از برادر ارجمندم جناب حجت الاسلام علی محمدی نیز بابت مساهمت ایشان در به ثمر نشستن این اثر و زحمات بسیاری که در مراحل مختلف این محصول کشیدند و زمان بسیاری را به مباحثه و مشاوره برای ارتقای کیفیت این اثر اختصاص دادند و در نهایت نیز محصول نهایی را مطالعه کرده و نکات ارزنده‌ای را تذکر دادند، کمال سپاسگزاری را دارم و امیدوارم خداوند تعالی بر توفیقات ایشان بیفزاید. از جناب حجت الاسلام حسین مهدی‌زاده نیز بابت ارزیابی این محصول و نکات ارزشمندی که بیان فرمودند تقدیر و تشکر می‌کنم. همچنین لازم می‌دانم از حجت الاسلام سیدپیمان غنایی، مدیر گروه فلسفه و فقه حکومتی فرهنگستان علوم اسلامی، که با حمایت و مساعدت ایشان زمینه تکمیل و نشر کتاب فراهم شد تشکر کنم.

امید است این گام کوچک در خدمت به انقلاب اسلامی و در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی به پیشگاه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه مقبول افتد. در پایان از تمامی محققین و پژوهشگران این عرصه تقاضا می‌شود با ارائه نقطه نظرات خود نسبت به این اثر به اصلاح و تکمیل آن کمک نمایند.

یحیی عبداللهی

زمستان ۱۳۹۶